



امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

در سال‌های اخیر، موج فرهنگی‌کی‌پاپ و‌کی‌دراما به یکی از پدیده‌های نوظهور در میان نوجوانان و جوانان ایرانی تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که نه‌تنها در فضای مجازی بلکه در زندگی روزمره بسیاری از خانواده‌ها نفوذ کرده است.

علی کوثری، پژوهشگر و مستندساز، با آگاهی از این جریان فرهنگی و پس از یک سال تحقیق دقیق، مستندی را تولید کرده که برای نخستین‌بار به‌صورت عمیق و بدون پیش‌داوری، ابعاد مختلف این خرده‌فرهنگ را به‌تصویر می‌کشد. کوثری در مستند خود تلاش کرده کلیشه‌های منفی و برخورد‌های سختگیرانه با هواداران کی‌پاپ را بشکند و نشان دهد که این علاقه فرهنگی، بیش از یک سرگرمی ساده، بخشی از هویت‌یابی نوجوانان است. این مستند، برخلاف نگاه غالب که کی‌پاپ را تهدیدی فرهنگی می‌داند، با نگاهی تحلیلی به موضوع می‌پردازد و سعی دارد فضای گفت‌وگو و فهم بهتر را میان خانواده‌ها، معلمان و مسئولان فرهنگی فراهم کند. کوثری می‌گوید که هواداران این خرده‌فرهنگ از اقل‌ها و طیف‌های مختلف جامعه‌اند و نباید آنها را صرفاً با تصویرهای کلیشه‌ای و منفی شناخت. او تأکید می‌کند که هدف مستند، قضاوت نیست بلکه شناخت و پذیرش واقعیت موجود است تا بتوان سیاست‌گذاری‌های منطقی و مؤثری برای نسل جوان انجام داد.

[۱] برای شروع گفت‌وگو، ابتدا بفرمایید که آیا پیش از ساخت این مستند، با خرده‌فرهنگ‌هایی مانند کی‌پاپ یا کی‌دراما آشنا بودید؟ به عبارت دیگر، شما با عنوان کی «کی‌پاپ» وارد این پروژه شدید یا رویکرد یک پژوهشگر؟

من پیش از شروع تولید این مستند، با پدیده‌هایی مثل کی‌پاپ و کی‌درام‌آشنایی داشتم اما نه در حدی که بخواهم خودم را هوادار یا «کی‌پاپر» بنامم. آشنایی من برمی‌گردد به دوران نوجوانی، حدود ۱۶ یا ۱۷ سالگی؛ سریال‌هایی از کره دیده بودم و در جریان فضای عمومی آنها بودم اما این آشنایی، خیلی از منظر علاقه شخصی نبود، بلکه در مسیر پژوهش و بررسی‌های فرهنگی‌ای شکل گرفت. واقعاً، از حدود سال ۱۴۰۰ این مسأله برای من جدی‌تر شد و به تدریج به موضوعی قابل تأمل تبدیل شد.

[۲] چه مسأله‌ای باعث شد تصمیم بگیرید به سمت ساخت مستندی در این حوزه بروید؟ یا توجه به این‌که به نظر می‌رسد منابع کافی برای چنین پروژه‌ای در کشور وجود ندارد، چگونه توانستید تحقیق و تولید را آغاز کنید؟

من همواره به شکل آرام و پیوسته، در جریان سریال‌های کره‌ای و فضای فرهنگی کره جنوبی بودم، حتی پیش از این‌که وارد فضای تولید مستند شوم. در سال ۱۳۹۹ (زمانی که رسماً وارد عرصه مستندسازی شدم، صرفاً در حال مطالعه و مشاهده مستند‌هایی با موضوعات مختلف از جمله در این حوزه بودم، بدون آن‌که تصمیم مشخصی برای ساخت مستند در این زمینه داشته باشم اما از میانه سال ۱۴۰۰ به بعد، به مقالات و داده‌هایی برخوردم که از جهاتی بسیار جالب و قابل توجه بودند. همان‌جا بود که ایده اولیه‌ای در ذهنم شکل گرفت؛ این‌که این صنعت فرهنگی چگونه در کره جنوبی مدیریت شده و چگونه می‌تواند الگویی موفق برای کشور ما باشد. اما به مرور و با گفت‌وگو با فعالان فرهنگی، مسیر ایده تغییر کرد. آنها بر این باور بودند که جنبه هواداری و مسأله هویت نوجوانان در این ماجرا، مسأله‌ای بسیار مهم‌تر و جدی‌تر است. موضوعی که متأسفانه اغلب نادیده گرفته می‌شود و کسی هم به‌طور دقیق و مستند به آن نپرداخته است. همین شد که ایده ساخت مستند تغییر مسیر داد و به شکل کنونی درآمد.

[۳] جرقه اولیه این مستند از کجا زده شد؟ آیا این پروژه را شما به مؤسسه «سفیرفیلم» پیشنهاد دادید یا ساخت آن به شما سفارش داده شد؟

ایده اولیه از سوی خودم شکل گرفت اما پیشنهاد ساخت مستند به‌صورت جدی از سوی یکی از مدیران مؤسسه مطرح شد. ما در سال ۱۴۰۰ در حال گفت‌وگو درباره موضوعات مختلف بودیم. ایشان

آیین تجلیل از پیشکسوتان دوبله ایران شامگاه دوشنبه ۱۵ اردیبهشت با حضور جمعی از دوبلورها و مسئولان فرهنگی از جمله رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی و فرشید شکيبا، مدیر دوبلاژ تلویزیون در سازمان سینمایی برگزار شد. این مراسم به مناسبت شصت و دومین سالگرد تأسیس انجمن گویندگان و سرپرستان «گفتار فیلم» برگزار شد. در

تجلیل سینمایی از معماران دوبله ایران

کی‌پاپ؛ تلاشی برای درک نوجوانان

در گفت‌وگو با علی کوثری، کارگردان مستند «کی‌پاپ»، وضعیت این خرده‌فرهنگ در ایران را بررسی کردیم



از من پرسیدند: «چه‌کار می‌کنی؟ روی چه چیزی کار می‌کنی؟ و من هم توضیح دادم که در حال تحقیق در مورد موضوع هواداری کی‌پاپ هستم. توضیحاتم برای ایشان جالب بود، چون خودشان هم پیش‌تر روی موضوعات فرهنگی مرتبط کار کرده بودند. وقتی روند تحقیق را شرح دادم، گفتند: «خب، بیایید همین را مستند کنیم.» تا آن لحظه من هنوز به مستندسازی در این حوزه به‌طور جدی فکر نکرده بودم اما پیشنهاد آن مدیر، جرقه شروع پروژه را زد. به این ترتیب، موضوع به عنوان یک پروژه مستند مطرح شد و کم‌کم وارد فاز عملیاتی شدیم.

[۴] به‌طور کلی، یکی از مسائلی که درباره کی‌پاپ و کی‌دراما در ایران وجود دارد، این است که این خرده‌فرهنگ‌ها هنوز به‌رسمیت شناخته نشده‌اند. در برخی مناظره‌های انتخاباتی به آنها اشاره می‌شود یا گاهی در محافل خاصی درباره‌شان صحبت می‌شود اما همچنان برخورد رسمی با آنها صورت نمی‌گیرد. به نظر شما، وضعیت امروز این خرده‌فرهنگ‌ها چگونه است و مستند شما تا چه اندازه می‌تواند در شناساندن آنها به جامعه مؤثر باشد؟

مسأله به‌رسمیت شناخته نشدن این خرده‌فرهنگ‌ها کاملاً جدی است. از یک سو، انکار می‌شود، از سوی دیگر برخورد‌های سختگیرانه‌ای با هواداران آن صورت می‌گیرد. مسئولان می‌گویند «ما کاری با این قضیه نداریم» اما در عمل، برخورد‌هایی می‌شود که حکایت از انکار کامل دارد. مثلاً برخورد‌هایی که با هواداران در مدارس صورت می‌گیرد یا در فضای مجازی، رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها آنها را به‌گونه‌ای بازنامایی می‌کنند که گویی یک تهدید جدی هستند. این برخورد‌ها معمولاً بدون شناخت و آگاهی از ابعاد مختلف این پدیده است. نتیجه‌اش این است که فقط تصویر منفی از این فرهنگ منتشر می‌شود و چالش ما در ساخت مستند دقیقاً همین بود. وقتی سراغ هواداران رفتیم تا با آنها مصاحبه کنیم، بایی اعتمادی شدید روبه‌رو شدیم. اغلب‌شان تصور می‌کردند که می‌خواهیم علیه آنها فیلم بسازیم. می‌پرسیدند: «شما هم می‌خواهید ما را بد جلوه دهید؟ چرا اصلاً به این موضوع پرداخته‌اید؟» باید توضیح می‌دادم که هدف ما شناخت و توصیف پدیده‌ای است که وجود دارد، نه تخریب یا قضاوت.

[۵] به‌نظر می‌رسد مستند شما تلاش دارد از جایگاه تحلیل‌گرانه به موضوع بنگرد. کمی بیشتر درباره جایگاه این مستند توضیح دهید.

آغاز مراسم، علی‌همت مومیبوند، از پیشکسوتان دوبله کشور با ابراز خوشحالی از برگزاری این جشن پس از وقایع تلخ اخیر، گفت: بالاخره فرصتی برای جشن‌گرفتن پیدا کردیم. سپس ویدئویی از صدای دوبلورهای درگذشته پخش شد. ابوالحسن تهامی، نخستین فردی بود که مورد تجلیل قرار گرفت. وی تأکید کرد دوبله باید بازتاب‌دهنده فرهنگ ایرانی



گفت‌وگو و برداشتن گام‌هایی برای فهم بهتر یک پدیده فرهنگی. **[۶]** یا توجه به تجربه‌های قبلی، انتظار می‌رفت جامعه‌هواداری با کارگرد بسته‌ای به اثر واکنش نشان دهد. در جشنواره فیلم فجر هم فیلمی مثل «چشم‌بادومی» بازخوردهای منفی زیادی از سوی این گروه دریافت کرد اما ظاهراً درباره مستند شما چنین اتفاقی نیفتاد.

بله، کاملاً درست است. دلیل این واکنش متفاوت هم به‌نظم به فرایند طولانی و دقیق پژوهشی برمی‌گردد که پیش از تولید مستند انجام شد. ما یک سال تمام صرف پژوهش کردیم و در این مدت تقریباً با هر کسی که می‌توانست به شکلی با موضوع مرتبط باشد، صحبت کردیم. مقالات زیادی خوانده شد، تحلیل‌های مختلف بررسی شد و تلاش کردیم همه دیدگاه‌ها را بشنوم. در این مسیر با طیف وسیعی از هواداران صحبت کردم؛ از دختران ۷ تا ۱۰ ساله گرفته تا زنان بالای ۲۰ سال. خواستم بدانم کسی که مثلاً ده سال

پیش هوادار بوده این چه نگاهی دارد؟ یا کسی که به‌تازگی وارد این فضا شده، چطور فکرمی‌کند؟ همه این‌ها را کنار هم گذاشتیم و با کمک پژوهشگرانی که خودشان هم خاتم بودند و در مراحل مختلف تولید همراهی‌مان می‌کردند، مستند را شکل دادیم.

[۷] یکی از نکات جالب مستند، حضور سوزه‌هایی با ظاهر مذهبی است. این در حالی است که در ذهن بسیاری، تصویر کلیشه‌ای از یک هوادار کی‌پاپ یا کی‌دراما شکل گرفته که معمولاً با چنین ظاهری‌هایی فاصله دارد. آیا این انتخاب آگاهانه بوده یا نتیجه محدودیت در دسترسی به سوزه‌ها بود؟

حضور چنین سوزه‌هایی کاملاً آگاهانه بود. البته همان‌طور که گفتید، پیداکردن افرادی که حاضر به گفت‌وگو و حضور در مستند باشند، کار آسانی نبود. بسیاری از هواداران نسبت به رسانه‌هایی اعتماد هستند و گمان می‌کنند قرار است تصویری منفی از آنها ساخته شود اما من دقیقاً به دنبال این بودم که کلیشه‌ها را بشکنم. در بخشی از مستند، دختری رامی‌بیند با همان ظاهری که شاید در ذهن بسیاری نقش بسته. این می‌تواند ذهن مخاطب را از پیش آماده کند اما در ادامه، ما عمداً سراغ هوادارانی رفتیم که از نظر ظاهری، کاملاً متفاوت‌اند؛ کسانی که شاید هرگز تصور نکند یک علاقه‌ای به این فضا داشته باشند. چرا؟ چون واقعیت همین است. این خرده‌فرهنگ در همه قشرها و طیف‌ها هوادار دارد. این تصور که هواداران کی‌پاپ یا کی‌دراما آدم‌هایی خاص با سبک زندگی متفاوت هستند، تصویر

فیلم کوتاه

حضور «شباهت» ایرانی در ترکیه

فیلم کوتاه «شباهت» به‌کارگردانی مهدی مردودشتی و تهیه‌کنندگی سعید بهاری، پس از موفقیت در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه ifefa استرالیا، این‌بار به مرحله نهایی پنجمین دوره جشنواره فیلم کوتاه یوآلیتی (Ualiti) راه یافت. این جشنواره با همکاری دانشگاه گلیشیم استانبول و جشنواره فوتوفیلم، از ۶ تا ۸ مه ۲۰۲۵ در شهر استانبول ترکیه برگزار می‌شود و امسال برای نخستین‌بار در بخش «بازار فیلم» جشنواره کن (MarchduFilm/FestivaldeCannes) به‌عنوان یک رویداد بین‌المللی ثبت شده است. در فیلم «شباهت» بهزاد خلج، شبنم قربانی، آی‌ان یاریگی و محمدمعین نوایی ایفای نقش کرده‌اند و سعید براتی مدیریت فیلم‌برداری و اجرای طرح را برعهده داشته است. نگارش فیلم‌نامه توسط سولماز اعتماد و علیرضا عطال‌الله تیریزی انجام شده و کیان تیرفهم بازنویسی آن را برعهده داشته است. از دیگر عوامل می‌توان به پیمان عدالت (موسیقی)، نیکتا رحمانی (چهره‌پردازی)، ماندانا مرادقادی (طراحی لباس) و رضا دقاق (صداگذاری و میکس) اشاره کرد.



باشد و خواستار وحدت رویه در فعالیت‌های این حوزه شد. از دیگر چهره‌هایی که تجلیل شدند می‌توان به ناصر ممدوح، زهره شکوفنده، اکبرمنانی، مینو غزنوی و محمدعلی دیباج اشاره کرد. فرشید شکيبا در سخنانی دوبلورها را «معماران دوبله ایران» خواند و بر لزوم حمایت از این هنر تأکید کرد. در پایان، یک ۶۲ سالگی انجمن گویندگان بریده شد.

درستی نیست. خیلی از آنها انسان‌هایی عادی هستند، زندگی روزمره‌شان را دارند، در کنار خانواده‌های‌شان زندگی می‌کنند و صرفاً علاقه‌ای فرهنگی دارند. مثل علاقه‌ای که ممکن است کسی به موسیقی کلاسیک یا سینمای اروپا داشته باشد. آن هیولایی که از این گروه ساخته شده، واقعیت ندارد.

[۸] نکته‌ای که برای من به عنوان فردی که خیلی درگیر این فضا نیستم جالب بود، این است که اغلب تحقیق‌ها و مقالات داخلی تصویری منفی از این خرده‌فرهنگ ارائه می‌دهند. چرا چنین رویکردی نسبت به این پدیده وجود دارد؟ آیا واقعاً این خرده‌فرهنگ تماماً منفی است یا وجه مثبتی هم دارد؟

در مستند، تلاشم این بود که تمام ابعاد این خرده‌فرهنگ را معرفی کنم؛ از دلایل جذابیت آن برای نوجوانان گرفته تا تأثیرات مثبت و منفی‌اش اما همچنان برخی کارشناسانی که در مستند حضور دارند، بیشتر به جنبه‌های منفی ماجرا پرداخته‌اند. این البته بازتاب نگاه غالب موجود در فضای رسمی ماست. واقعیت این است که نمی‌توان گفت تمام آهنگ‌ها یا سریال‌ها منفی‌اند. از طرف دیگر، نمی‌توان انکار کرد که برخی محتواها مغایر با فرهنگ بومی ما هستند اما موضوع این نیست که فقط خوبی یا بدی را ببینیم. در حال حاضر، ما حتی در مرحله قضاوت هم نیستیم. هنوز در مرحله شناخت هستیم. یعنی لازم است ابتدا بفهمیم با چه پدیده‌ای مواجه‌ایم، تا بعداً بتوانیم قضاوتی مبتنی بر آگاهی داشته باشیم. مثلاً من در مصاحبه‌هایم با هواداران، با طیف وسیعی از رفتارها مواجه شدم. برخی فقط گاهی آهنگ گوش می‌دادند یا سریال می‌دیدند. این رفتار کاملاً عادی بود اما برخی دیگر بودند که مثلاً صبح‌ها زود بیدار می‌شدند تا لایوکنسرت یا حضور گروه محبوب‌شان در یک برنامه را ببینند و عملاً زندگی‌شان تحت تأثیر این علاقه قرار گرفته بود. خوب، طبیعتاً در مورد گروه دوم می‌شود گفت که این وابستگی ممکن است اثرات منفی داشته باشد؛ چون زمان طلایی رشد و شکل‌گیری شخصیت‌شان صرف چیزی می‌شود که شاید اولویت نداشته باشد. بنابراین نمی‌شود یک حکم کلی صادر کرد. باید هر مورد را جداگانه بررسی کرد. حتی تأثیرات منفی‌ای هم که مطرح شد، فقط مربوط به مغایرت‌های فرهنگی نبود، بلکه نکاتی بود که حتی در سطح جهانی هم مورد توجه قرار گرفته‌اند.

[۹] در مستند هم اشاره‌ای داشتید که کار، اصلاً به دنبال قضاوت نیست، بلکه در مرحله‌ای است که باید صرفاً به معرفی و شناخت بپردازد. بآین نگاه، مخاطب مستند چه کسانی هستند؟

بله، دقیقاً همین‌طور است. مخاطب اصلی این مستند، اطرافیان یک نوجوان هستند. یعنی والدین، معلمان، مشاوران، مربیان پرورشی، مدیران مدارس و به‌طور کلی افرادی که در فضای تربیتی و فرهنگی با نوجوانان در تعاملند. این‌ها کسانی هستند که باید ابتدا شناخت درستی نسبت به این خرده‌فرهنگ پیدا کنند. چون تا وقتی ندانند نوجوان با چه پدیده‌ای درگیر است، نمی‌توانند درست هدایتش کنند. مستند البته نکاتی هم برای مسئولان فرهنگی و سیاست‌گذاران دارد. چون آنها نیز در ایجاد زمینه گفت‌وگو، آموزش و حتی تولید محتوای جایگزین نقش کلیدی دارند. به همین دلیل، تلاش شد در مستند هم به مسائل ملموس خانواده‌ها پرداخته شود، هم به ابعاد عمیق‌تر برای سیاست‌گذاران اما اساس کار ما در این مرحله